

کارگاه من حسینیه من است

روایت عجیب زندگی خانم فرهادی
که مزون معروف لباس عروسیش تبدیل به محل دوخت لباس تعزیه شد

۵۶۴

ضمیمه رایگان روزنامه شهر آرا
شماره روزنامه ۳۷۲۹
پنجشنبه | ۱۳ مرداد ۱۴۰۱
شماره ضمیمه مجله ۴۷۰
دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از
shahraranews.ir

MashhadChehreh.ir
مشهد چهره
@Mashhad.Chehreh

۶

جوآنان هیئت الحسن (ع)
با مشارکت همسایه‌ها،
معلم ۶۵ راسیاه پوش
کردماند

رخت عزابرتن
کوچه شهید ذاکری



۴

تلاش شهرداری برای آسفالت نقویه ۳۱

۷

تکمیل مسجد، نیازمند نگاه خیران



بریا کنندگان مراسم عزاداری بوستان چهل بازه به فکر حل آسیب‌های اجتماعی محله هستند

شور خدمت در هیئت نور الهدی



فهیمة شهری ادرختان ورودی بوستان چهل بازه تکیه گاه پرچم‌های سیاه شده اند تا به احترام نام حسین (ع) فضای پارک هم رنگ عزابر تن داشته باشد. قسمت میانی بوستان، کنار حوضچه، پرچم‌های بیشتری دیده می‌شود و صدای مداحی که از بلندگوها پخش می‌شود حکایت از اجرای برنامه‌ای حسینی دارد. از ابتدای شب رفت و آمد جوانان و نوجوانانی که کارهای اجرایی این عزاداری را بر عهده دارند بیشتر می‌شود و رفته رفته، دیگر جوانان هم می‌آیند تا از برنامه فیض ببرند.

هر هیئت یک قرارگاه اجتماعی

امسال هیئت نور الهدی عزاداری شب‌های دهه اول محرم خود را به بوستان چهل بازه آورده و قرار است باشعار «هر هیئت یک قرارگاه اجتماعی» در کنار عزاداری کارهای اجتماعی مهمی را انجام دهند. حجت الاسلام علی رضا یوسفی که مدیریت هیئت را بر عهده دارد و خودش جوانی بیست و هفت ساله است می‌گوید: «سال ۹۹ که هیئت را تشکیل دادیم فقط عزاداری می‌کردیم اما بعد با خودمان گفتیم از شور حسینی جوانان هیئتی مان برای تحقق بخشیدن اهداف و سیره ائمه (ع) استفاده کنیم. در همین راستا با جوانان و نوجوانان هیئتی به اردوهای جهادی در روستاهای رفته و در ساخت و ساز مشارکت می‌کردیم. در زمان اوج کرونا نیز این جوانان کارهای جهادی مختلفی انجام دادند که از جمله آن‌ها می‌توان به دوخت ماسک، تهیه آبیومیه برای بیماران و کادر درمان، توزیع بسته‌های حمایتی برای محرومان و... اشاره کرد. امسال هم به ذهنمان رسید که چند مشکل و معضل اجتماعی منطقه ۱۱ را شناسایی کنیم و در هر شب از عزاداری‌های دهه محرم، با مشارکت عزاداران این مشکلات را برطرف کنیم.»

به گفته او قرار است در عزاداری‌های دهه اول با کمک جوانان و نوجوانان هیئتی و دیگر شهروندان، در کارهای خیرمنا و مشارکت کنند. آزادی چند زندانی جرائم غیر عمد، ترک دادن چند معتاد منطقه که تمایل به ترک دارند، اشتغال زایی برای چندین سرپرست خانواده، فراهم کردن امکان ادامه تحصیل برای چند کودک کار با مانده از تحصیل و خرید ویلچر برای یک فرد معلول برنامه‌هایی است که این هیئت قرار است انجام دهد.

جوانان و نوجوانان پای کار هستند

به نظر یوسفی تا کنون خیلی از هیئتی هادر مواردی مانند سیل، زلزله و... دوشادوش مردم حضور داشته‌اند و کمک‌های انسان دوستانه کرده‌اند اکنون هم لازم است هر هیئت را تبدیل به یک قرارگاه اجتماعی کرد تا در کنار عزاداری به هموعان خودشان کمک کنند.

او تأکید دارد فرد دوستدار امام حسین (ع) نباید به سینه زنی و عزاداری اکتفا کند بلکه در کنار این‌ها باید در برابر مسائل اجتماعی حساس باشد و پای کار بیاید.

ماهدخت رشادت که از حضور نوجوانان و جوانان در این هیئت به وجد آمده، دنبال گرفتن شماره تماس و راه‌های ارتباطی است تا پرسش‌ها را با این گروه مرتبط کند. به نظر او اگر همه هیئتی‌ها چنین کارهای تأثیرگذاری انجام دهند، بسیاری از مشکلات مردم زیر پرچم امام حسین (ع) حل می‌شود.

سینا بافتی هم که از جوانان رهگذر در پارک است، از شیوه عزاداری این هیئت خوشش آمده و می‌گوید: «مشب به طور اتفاقی برنامه‌شان را دیدم اما در شب‌های آینده حتماً با دوستانم به اینجایم می‌آیم و در عزاداری و برنامه‌های اجتماعی‌شان مشارکت می‌کنم.»

آمنه افشار که از رهگذران است، معتقد است حضور چنین هیئتی در پارک به جذب جوانان کمک می‌کند و خوب است که در تمام پارک‌های بزرگ، شاهد چنین گروه‌هایی باشیم.

مه‌دیار جعفرآبادی که حدود چهار سال است در این هیئت عضویت دارد، دغدغه‌های فرهنگی راهیئت نور الهدی می‌داند و معتقد است همین کارهای فرهنگی و اجتماعی که در قالب هیئت و توسط جوانان و نوجوانان انجام می‌شود، باعث شده است اعضای گروه بهتری از دین اسلام داشته باشند در کنار واجبات، اخلاق و سیره اسلامی را هم در خودشان تقویت کنند.

منطقه ۱۲

منطقه ۱۱

با وجود پیگیری اهالی، معبر پر جمعیت محله نقویه، هنوز خاکی است

تلاش شهرداری برای آسفالت نقویه ۳۱



سید مصطفی بهشتی اوقتی از بولوار نقویه به داخل کوچه می‌پیچیم در همان ابتدای مسیر، چرخ خود را داخل یک دست انداز می‌افتد که همراه با صدای زیادی است. این وضعیت در ادامه مسیر هم هست و خبری از آسفالت و یا حتی مسیر صاف خاکی نیست. وقتی در آینه به پشت سر نگاه می‌کنیم متوجه گرد و خاک حرکت خود رومی شویم. کمی جلوتر که می‌رویم با ساختمان‌هایی روبه رومی شویم که پارکینگ‌هایی با ظرفیت ۱۰ تا ۱۵ خودرو دارند. ما جرایم این است که ساکنان این ساختمان‌ها با خودرو و بدون خودرو و مجبورند هر روز از این معبر نامناسب عبور کنند.

بی بهره از امکانات شهری

عاطفه مروجی یکی از اهالی این خیابان فرعی در محله نقویه است که نسبت به بقیه اهالی پیگیری‌های بیشتری برای رفع مشکل آسفالت از شهرداری داشته‌است. او درباره این پیگیری‌ها می‌گوید: «ما ساکنان نقویه ۳۱ چند سالی است که پیگیری اجرای آسفالت این خیابان از شهرداری منطقه ۱۲ هستیم. هر بار که پرسیده ایم جواب داده اند اعتبار نیست و یا در نوبت قرار دارید و شش ماه دیگر درست می‌شود ولی متأسفانه با وجود گذشت چند سال هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. امیدواریم روزی برسد که شهرداری به فکر ما هم بیفتد. خسته شدیم از بیس خاک خوردیم.» این شهروند در ادامه به نا ابراری در باره وضعیت معابر منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید: «من نمی‌خواهم بگویم چرا فلان کوچه آسفالت شده است. فقط درخواست داریم اولویت با معابری باشد که ساکنان بیشتری دارند. ما اکنون در این معبر حدود ۴۰ خانواده ساکن هستیم که حق داریم از امکانات و مزایای شهری استفاده کنیم.»

گل اندود شدن مسیر در روزهای بارانی

در ادامه قدم زدن در کوچه نقویه ۳۱ با مهدی کریم آبادی گفت و گومی کنیم. او که از حدود سه سال قبل در این معبر ساکن شده است، وضعیت نامطلوب آن را دلیل افت قیمت املاک و همچنین وجود بناهای خالی از سکنه می‌داند. کریم آبادی در این باره می‌گوید: «من و خیلی از ساکنان این معبر در اینجا خانه خریده ایم و ناچاریم که شرایط زندگی در این معبر را بپذیریم. و گرنه واقعا شرایط مطلوب و آبرومندی برای زندگی نیست. شما ببینید ما اینجا چه جدول کشی داریم، نه آسفالت داریم و نه حتی یک معبر خاکی که صاف باشد!»

هاشم کیخاوند دیگر شهروند ساکن نقویه ۳۱ درباره مشکلات معبر فعلی می‌گوید: «با اولین نم باران، مسیر گل می‌شود. بعد ما با پای پیاده و ماشین از همین مسیر عبور می‌کنیم و وارد خانه می‌شویم که باعث کثیف شدن پارکینگ، آسانسور و پله می‌شود. در زمانی هم که بارش نداریم گرد و خاک، نفس ما را می‌گیرد. وضعیت ظاهری مسیر را هم می‌بینید که واقعا شکل مناسب و آبرومندانانه‌ای ندارد. ماسه سال پیش در این اینجا خریده ایم و همان زمان از شهرداری استفاده گرفتیم گفتند تا یک سال آینده آسفالت می‌شود ولی از آن یک سال دوسال گذشته است و وضعیت را می‌بینید.»

نقویه ۳۱ در اولویت آسفالت

شهردار منطقه ۱۲ درباره رفع مشکل اهالی نقویه ۳۱ می‌گوید: «منطقه ۱۲ در این سال‌ها به سرعت در حال توسعه و گسترش بوده و معابر فرعی زیادی ایجاد شده است. بنابراین ما باید رسیدگی به امور تمام این معابر را در دستور کار قرار دهیم که زمان و حجم کار زیادی می‌برد.» علی زینت بخش در ادامه می‌گوید: «برای رسیدگی به امور این معابر باید اولویت بندی کنیم و این اولویت بندی بر اساس میزان سکونت و تراکم جمعیت آن معبر است. خیابان نقویه ۳۱ جزو معابری است که امسال در اولویت منطقه قرار گرفته است و ردیف اعتبار آسفالت هم به آن اختصاص داده شده است. از ابتدای سال و در چند مرحله برای این کوچه درخواست آسفالت را به سازمان عمران ارائه داده ایم که هنوز آسفالت به منطقه اختصاص نیافته است. با وجود این تلاش می‌کنیم امسال این طرح اجرا شود.»

منطقه ۱۱

اصلاح هندسی «دانشجو»

طرح اصلاح هندسی ورودی بولوار دانشجوی بولوار وکیل آباد در راستای تسهیل تردد وسایل نقلیه و افزایش ایمنی عابران پیاده آغاز شد. این پروژه با اعتباری بالغ بر شش میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال انجام می شود. با اجرای این طرح، عرض معبر ورودی بولوار دانشجوی سمت وکیل آباد افزایش یافته و ورودی پمپ بنزین واقع در ابتدای بولوار دانشجوی نیز سامان دهی خواهد شد.

زور آزمایی در چهل بازه

نخستین جشنواره تابستانی کشتی آزاد در ده سنی پایه با هدف استعدادیابی، ترویج اخلاق و منش پهلوانی برگزار شد. نخستین دوره مسابقات کشتی آزاد فضای باز به همّت معاونت تربیت بدنی سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد و به میزبانی بوستان چهل بازه برگزار شد. محل اجرای برنامه آمفی تئاتر روباز بوستان چهل بازه در دوره سنی نونهالان و نوجوانان برگزار و از پیش کسوتان این رشته تجلیل شد.

ترمیم دیوار آرامستان

در پی فرسوده شدن و تخریب دیوار آرامستان محله چهار برج که با بارش های بهاری امسال اتفاق افتاد، ترمیم و بازسازی آن در هفته جاری انجام شد. این دیوار آرامستان با همکاری اهالی محله و مشارکت گروه جهادی شهدای محله چهار برج، مرمت و بازسازی شد. در طرح بازسازی دیوار تخریب شده آرامستان چهار برج ۲۵ نفر از اعضای گروه جهادی و شهروندان محله چهار برج مشارکت کردند.

منطقه ۱۲

جمع آوری سگ های ولگرد

گروه های ویژه سامان دهی و کنترل حیوانات اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۱۲، در پی درخواست های شهروندان اقدام به جمع آوری سگ های ولگرد کردند. جمع آوری سگ های ولگرد در راستای پیش گیری از انتقال بیماری توسط این حیوانات در جامعه و همچنین حفظ امنیت شهروندان اجرا شد. در این طرح ۵۴ قلاده سگ ولگرد از زمین های بایر و رها شده جمع آوری شدند.

تسریع اجرای پروژه ها

جلسه کمیته اجرایی منطقه ۱۱، با حضور مهدی عرفانیان شهردار منطقه و معاونان و رؤسای ادارات منطقه ۱۱ برگزار شد. در این جلسه که به منظور بررسی روند اجرای پروژه های عمرانی و خدماتی در منطقه برگزار شد، گزارش هایی از وضعیت طرح های در حال اجرا در منطقه ارائه شد. در جلسه کمیته اجرایی منطقه ۱۱ تسریع در اجرای پروژه ها تأکید و در باره راه حل های رفع موانع در این مسیر هم فکری شد.

تقویت حافظه در «ترافیک»

به همت کتابخانه فرهنگ سرای ترافیک دوره آموزشی تقویت حافظه و همچنین آموزش بهداشت مطالعه برگزار شد. هدف این دوره آموزشی رایگان، بسترسازی بیشتر برای افزایش فرهنگ مطالعه در جامعه بود. چگونگی تمرکز فزاینده، آشنایی با عملکرد مغز و نقشه ذهنی و روش مطالعه از جمله سرفصل هایی بود که در این دوره برای داوطلبان آموزش داده شد.

آزادسازی اراضی کشاورزی

طی یک عملیات گسترده و پیشگیرانه در محدوده حریم منطقه ۱۲، ۱۵۰ هزار متر مربع از اراضی کشاورزی آزادسازی شد. در این عملیات و با همکاری اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای منطقه و دستگاه های ذیربط اراضی کشاورزی که توسط متخلفان با پای و شفته و دیواره های زیر ۵۰ سانتی متر تفکیک غیر مجاز شده بود، آزادسازی شد.

احداث کنارگذر «شاهنامه»

مسیر کنارگذر بولوار شاهنامه، در حدفاصل شاهنامه ۳۹ تا ۴۱ احداث می شود. اجرای این بخش از کنارگذر بولوار شاهنامه، دسترسی شهروندان به زیرگذر چهار برج را تسهیل می کند. اکنون عملیات خاک برداری و ریزسازی این مسیر کنارگذر در حال اجراست و پیش بینی می شود در هفته آینده ویس از تسطیح و آسفالت، این مسیر برای تردد وسایل نقلیه بازگشایی شود.

سرپرست شهرداری منطقه ۱۱ اقدامات این منطقه برای مراسم محرم را تشریح کرد

مشارکت شهرداری و هیئت ها



سید مصطفی بهشتی هم زمان با فرارسیدن ماه محرم و ایام عزاداری حضرت اباعبدالله...الحسین (ع) شهرداری منطقه ۱۱ اقداماتی را برای برگزاری شایسته مراسم این ایام در دستور کار قرار داده است. مشارکت با هیئت های مذهبی در برگزاری مراسم سوگواری محرم ۱۴۰۱ از محورهای اصلی برنامه های شهرداری منطقه است. سرپرست شهرداری منطقه ۱۱ در همین رابطه به شهردار محله گفت: «مادر این ایام با بیش از ۱۰ هیئت برای برگزاری برنامه های مذهبی مشارکت داریم و امکاناتی در حد

مقدورات و توان شهرداری در اختیار آن ها قرار می دهیم. این هیئت هادر نقاط مختلف منطقه از جمله بوستان ملت، کشت پارک، رودپارک، خیابان دانشجو ۲۹، مدارس و فضای روباز اطراف مساجد برنامه عزاداری خود را اجرا می کنند. از دیگر موضوعاتی که با فرارسیدن ماه محرم مورد توجه قرار می گیرد، فضایابی شهر است. مهدی عرفانیان در این باره گفت: «اقدامات فضایابی مناسب از چند روز قبل محرم شروع شد. در این طرح ۱۵۰ پرچم ستونی و بالغ

۳۰۰ آویز ستونی روی ستون های معابر ویل هانصب شده است. مسیر وکیل آباد هم در این طرح به شکل ویژه تری با ۳۰۰ پرچم عزافضاری شده است. ورودی معابر اصلی منطقه نیز با پرچم های بزرگ عزاداری حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفایش فضایابی محرمی به خود گرفته است. برای فضایابی محرمی مشارکت خوبی هم با هیئت ها داریم تا هم اقدام به آن ها داده شود و هم آن ها بنرها و پرچم هایی را که دارند به فضای شهر و منطقه بیاورند.»

منطقه ۱۱

حسینیه ای به وسعت منطقه ۱۱



اینفوگرافی

- هیئت لبیک باعلی اصغر (ع) / حاشیه بولوار آموزشگار، حدفاصل بولوار امامت و میرزا کوچک خان / ۱۸۰۰ تا ۲۲:۰۰ / ایستگاه صلواتی
- گروه لاله های سرخ / بوستان ملت، درب سنگی / ۲۲:۳۰ تا ۲۰:۳۰ / شبیه خوانی
- هیئت شیفتگان بقیع / نیش دانشجو ۲۳، خیمه الزهرا (ع) / ۲۱:۳۰ تا ۲۳:۳۰ / مراسم سینه زنی
- هیئت متوسلین به حضرت رقیه (س) / بین سیدرضی ۳۳ و ۱۹ / ۲۲ تا ۱۹ / ایستگاه صلواتی و زیارت عاشورا
- مجموعه فرهنگی مذهبی یارقیه (س) / معلم ۸۰ / ۷:۳۰ تا ۹:۰۰ / روضه خوانی
- هیئت مذهبی خادم الزهرا (س) / نبش معلم ۱۹ / ۳۰ تا ۲۳:۰۰ / ایستگاه صلواتی و سینه زنی
- هیئت خادم الحسین (ع) / نماز شهدای گمنام بوستان ملت / ۲۰:۳۰ تا ۲۲ / زیارت عاشورا و روضه خوانی
- هیئت محبان الزهرا (س) / درب شمالی بوستان چهل بازه / ۱۹ تا ۲۲ / ذکر مصیبت و روضه خوانی

منطقه ۱۱

با توجه به ایام سوگواری حضرت امام حسین (ع) و یاران شهیدش در اینفوگرافی این شماره برخی برنامه های مذهبی منطقه در دهه اول محرم را معرفی می کنیم. این مراسم ها در زمان های مختلف شبانه روز و با محتواهای گوناگون اجرا می شوند.

کارگاه حسینیه

بازارچه پسران که خلق عالم است

روایت عجیب زندگی خانم فرهادی که مزون معروف

منطقه ۱۲
رضاریاحی از ادهر وستای حسین آباد شیرین هستند و دلشان را با زنده نگه داشتن یا گلثومه خانم فرهادی هم به سیاق هم ولایتی تعزیه، رقیه خوانی و زینب خوانی می کند. اودر کنار تعزیه خوانی، خیاطی را هم از مادرش بیست سالی می شود که اختیار دست های هنرمندش فرمز و قهوه ای اسباب تعزیه خوانی را فراهم می کند از این کارگاه دوخت لباس تعزیه خوانان اداره می شود امیرمحمد و مانده هم او را همراهی می کنند. هر کسی یکی با چرخ می دوزد و دیگری هم لباس های دوخته شد اینجا حال و هوای دیگری دارد. زمزمه های زیر لب را می پراکنده شده است استشمام کرد، در و دیوار این کارگاه شده است، اصلا انگار ما میهمان هستیم و شیر خواره

۱ تعزیه خوانی موروثی در خانواده گلثومه خانم

ساکن محله الهیه است. تعزیه شان هر سال در روستای «حسین آباد» از توابع شهرستان شیروان اجرامی شود. آن طور که خودش می گوید: تعزیه خوانی در بین فامیلشان موروثی شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. او هم نمی داند چند سال است خانواده اش تعزیه بخوان هستند. تنها همین رابه خاطر دارد که پدر بزرگانش هم در همین مسیر بوده اند. در کنار بزرگان فامیل که هر یک نقش اولیا و اشقیار را اجرامی کنند، کودکان هم نقش طفلان مسلم و دیگر کودکان صحرائی کربلا را بازی می کنند. گلثومه خانم می گوید: تعزیه خوانی را در شش سالگی شروع کردم. خدا بیا مرز پدر بزرگم، ملاخلیل صالح آبادی، تعزیه خوانی را به من آموخت. در ابتدا «بچه خوانی» می کردم، کسی که بچه خوانی می کند اول نقش حضرت «سکینه (س)» و حضرت «رقیه (س)» و سپس نقش طفلان مسلم را بازی می کند. هر سال در روزهای تاسوعا، عاشورا، اربعین، شهادت امام رضا (ع) و شهادت حضرت علی (ع)، هفت، هشت هزار نفر در روستای حسین آباد جمع می شدند و خانواده ما اجرای برنامه تعزیه خوانی داشت. من تا چهارده سالگی تعزیه خوانی می کردم. از آن به بعد دیگر نقش های تعزیه مردانه می شود و خانم ها جای برای کار ندارند. البته خانواده من همچنان تعزیه خوانی می کنند و همسر و سه فرزندم نیز به آن ها اضافه شده اند.

۲ نگاه کردن به داستان مادر م خیاط شد م

مادر گلثومه خانم خیاط بود. از آن خیاط هایی که متر و خط کش دست نمی گرفتند و تجربی و و جیبی کاری می کردند. گلثومه خانم می گوید که مادرم با و جب انداز مشتری ها را می گرفت و بر اساس همان و جب ها، پارچه را برش می زد، اتفاقا لباس هایی که می دوخت تن پوش خوبی داشتند و خانه کوچکمان پاتوق نوعروسان شیروان بود. بانوی هنرمند محله الهیه به ما می گوید: «خیاطی و به ویژه دوخت لباس عروس، آن هم در کارگاه خودم، رؤیایی بود که همیشه در سر داشتم. از همان وقتی که بیست ساله بودم و با چرخ خیاطی آنتیک ماسوله فشنگی مادرم خیاطی را یاد گرفتم، آرزو داشتم که برای خودم کارگاه خیاطی داشته باشم. آن قدر اشتیاق داشتم که بانگاه کردن به دست مادرم، کار خیاطی را یاد گرفتم و خیلی طول نکشید که اجازه پیدا کردم پشت چرخ بنشینم.»

برمی گردد به حدود بیست سال قبل و از خطر بزرگ زندگی اش این طور می گوید: «بعد از پنج سال که فقط چرخ کاری و تزئینات لباس عروس را انجام می دادم، تصمیم بزرگی گرفتم. به خانواده ام گفتم که می خواهم کارگاه خودم را راه بیندازم. خبر که به گوش مادرم رسید، با تعجب گفت: «کارگاه مستقل؟! گلثومه که برش بلد نیست! هیچ کس حتی خود مادرم خبر نداشت که بانگاه کردن به دست او، برش لباس عروس را هم یاد گرفته ام. اما از همه مهم تر، آن انگیزه و شجاعتی بود که مرا پیش می برد. اصلا ترسی نداشتم. این طور بود که در بیست و پنج سالگی با یک میلیون تومان سرمایه و فقط یک چرخ خیاطی، تک و تنها کارگاه مستقلم را راه انداختم. یکی دو سال بعد هم به مشهد مهاجرت کردیم. در حالی که نوعروس بودم، یک مغازه ۱۵ متری در خیابان طبرسی اجاره کردم و سخت به کار چسبیدم.»

۳ دوخت لباس برای عروس های کابلی

گلثومه در ادامه این گونه از موفقیتش در کار می گوید: «فقط پنج سال فرصت لازم بود که خودم را در بازار لباس عروس مشهود اثبات کنم. کم کم کارم گرفت و با درآمد خوبی که دوخت لباس عروس داشت، توانستم به مرور کارگاهم را گسترش دهم، تعداد چرخ ها و نیروهایم به ۱۰ نفر افزایش یافت. دیگر کارگاه مادر بازار شناخته شده بود و در هفته بیشتر از ۱۰۰ دست لباس عروس می فروختیم.» برای خیاطان زبردست محله الهیه بازار فروش شیروان، بجنورد، مشهد و پاساژهای لوکس آن کافی نبود. می گوید: «برای فروش لباس عروس هایمان به تنهایی به شهرهای مختلف از جمله اصفهان، شیراز، مازندران و... می رفتم. البته اول می رفتم و بازار بایی می کردم و در نوبت بعد، سفارش ها را می بردم.» گلثومه خانم می گوید: «اینجا و در بازار مشهد، تعداد زیادی مشتری عرب و افغانستانی هم داشتم. حسابی سلیقه آن ها دستم آمده بود و مطابق پسند دختران افغانستانی و عربی لباس عروس می دوختم.»

۴ خیمه هایی که بازار را به هم ریخت

نگاهش روی کتیبه مشکی زیر دستش میخکوب می شود. انگار به یادش می آید آن روز خاطره انگیز در اول محرم سال ۸۵. سرش را بالای آورد و لبخند بر لب می گوید: «یک دفعه دنیا بهم عوض شد. یک روز در کارگاه لباس عروس مشغول کار بودم که دو خانم که بعدا فهمیدم دبیر مدرسه هستند، وارد شدند و پرسیدند: اینجا خانم فرهادی دارید؟ گفتم: بله. امری داشتید؟ گفتند: از سرتا به بازار پرس و جو کردیم. گفتند فقط گلثومه خانم می تواند از پیشش بر بیاید. گفتم: از پس چه کاری؟ یک عکس شبیه عکس کتاب نقاشی بچه ها نشانم دادند و گفتند: از این خیمه ها می خواهیم. برای نمایشگاه مدرسه در ایام محرم. می توانید بر ایمن بدوید؟ کار خدا بود که بدون هیچ تجربه ای گفتم: بله، چنانمی توانم؟ می دوزم برایتان. خلاصه آن ها سه خیمه سفارش دادند و رفتند. تمام مدت خدا خدایم کردم که یک وقت جلوم مشتری شرمند نشود. به شاگردم گفتم بنشین پشت چرخ و هر چه من برش زدم، فقط چرخ کن. طبق یک طرح ذهنی، دو خیمه و دو خیمه تار سیدیم به سخت ترین بخش کار. مانده بودم چطور باید این حجم پارچه را گرد کنم که شبیه خیمه شود.» او ادامه می دهد: «همان طور که فکر می کردم، قدم زنان از کارگاه بیرون رفتم. یک دفعه در مغازه تعمیر طبل کنار کارگاه، چشمم به طوقه های گرد دور طبل افتاد. گفتم: حاج آقا این ها را لازم ندارید؟ گفت: نه. دورریختنی است. طوقه فلزی را آوردم و زیر چرخ گذاشتم. لبه پارچه را دورش تا کردم و آرام آرام چرخ کردم و جلورفتم. کم کم پارچه گرد شد و حالت خیمه گرفت. کشف شیرینی بود. هر سه خیمه را همان روز دوختم و در پیاده رو جلوی کارگاه نصب کردیم. همین کافی بود که غلغله ای در بازار برپا شود. تا آن موقع کسی از این چیزها ندیده و خسته بود و برای همه تازگی داشت. کار به جایی رسید که چند خبرنگار و عکاس آمدند و از آن خیمه ها گزارش و عکس تهیه کردند.»



مجید پهلوان، همسر و مونا، مانده و امیر محمد فرزندان خانم گلثومه فرهادی

اهل بیت من است

باز این بویچه و چپچه با تم است

لباس عروسیش تبدیل به محل دوخت لباس تعزیه شد

روان است، روستایی که اهالی آن عمری است تعزیه خوان
دا امام حسین (ع) جلامی دهند.
نمایش از کودکی با هنر «تعزیه» آشنایی شود در مراسم
می آموزد. در ابتدا مزون لباس عروس داشت اما حالا
په دست دوست داده و با پارچه های سبز، سیاه، سفید،
پرچم عزو خیمه اهل بیت (ع) تالیاس های اولیا و اشقیبا.
د چرا که مجید آقا، همسر گلثومه خانم و فرزنداناش منا،
کوشه ای از کار گرفته است، یکی پارچه را برش می زند،
ه را تاملی زند و بسته بندی می کند.
توان با گوش جان و دل شنید و عطر بندگی را که در فضا
ه به نام های متبرک «با علی اصغر (ع)» و «بارقیه (س)» مزین
و درانه ابا عبدا... (ع) میزبانی می کنند.

۶ کاربرد ای امام حسین (ع) برکت دارد

خانم خیاط راست می گوید. دیگر این گلثومه فرهادی
نبوده که برای ادامه مسیر برنامه ریزی می کرده و تصمیم
می گرفته است. کس دیگری اراده کرده بود او را به راه های
ناشناخته بکشاند: «بزرگ ترین تصمیم زندگی ام را گرفتم.
دیگر می دانستم کار و زندگی من با محرم و اهل بیت (ع)
گره خورده است. کار لباس عروس را با تمام تجربه واسم ورسم
و درآمدی که داشتم، رها کردم و حرفه جدیدی را آغاز کردم.
از آن به بعد همه زندگی ام شد دوخت خیمه های عاشورایی.
پرچم، لباس تعزیه، لباس علی اصغر (ع)، لباس سقاو...»
بانوی تعزیه خوان و هنرمند محله الهی می گوید: «داستان های
کر بلا و وقایع عاشوراکم و پیش می دانستم. بلاخره عمری
در خانواده ای تعزیه خوان بزرگ شده بودم. با این حال به
کتاب فروشی رفتم و تعدادی از کتاب های عاشورایی و وقایع
کر بلا را خریدم و شروع کردم به مطالعه. انگار که مادری
شب ها برای فرزندش قصه بخواند. این مقتل ها هم از آن
موقع، قصه شب های من شده بود.»

از اومی پرسیم پشیمان نیستی که درآمد زیاد دوخت لباس
عروس را از دست داده ای؟ می گوید: «نه تنها پشیمان نیستم
بلکه هر لحظه خدا را شکر می کنم. برکت کار امام حسین (ع)
چیز دیگری است. خود من با درآمد فروش لباس های
تعزیه خوانی، زندگی ام را سر و سامان دادم. حالا در آستانه
چهل پنج سالگی موفق شده ام خانه بخرم، خودم داشته
باشم و فرزندمان در رفاه نسبی باشند.»
گلثومه خانم این روزها کار و بارش حسابی گرفته است. از
فروشگاه های لوازم محرم در بازار رضا مشهد تا گروه های
تعزیه خوانی از شهرستان های شیروان، بجنورد، گرگان،
تبریز، همدان، بوشهر و... مشتری او هستند.

۵ عجب محرم می شد...

بانوی هنرمند محله الهی می گوید: «آن قدر از آن خیمه ها خوشم آمده بود که یکی
هم برای خودمان دوختیم و کنار در کارگاه لباس عروس نصب کردیم! فکر نمی کردم
به دنبال همین کار هم ماجرای پیش آید. قضیه از این قرار بود که محرم از راه رسیده
بود و مشتریان بازار و رهگذران به تصور اینکه نمونه کار گذاشته ایم، می آمدند و سفارش
می دادند. هم خوشحال بودم که کار مورد توجه قرار گرفته و هم متحیر بودم که چه
اتفاقی دارم! اقتدا! خلاصه آن قدر سفارش ها زیاد شد که یک وقت به خودم آمدم و
دیدم در عرض سه روز در این کار، حرفه ای شده ایم. نشان به آن نشان که در دهه اول
محرم آن سال بیش از ۷۰۰ خیمه دوختم که برای خودم هم غیر منتظره بود!»
گلثومه خانم عینک را روی صورتش جابه جامی کند. انگار که هنوز هم متحیر باشد می گوید:
«تصورم این بود که در دو ماه محرم و صفر و تعطیلی کار عروس، سرم را با دوخت خیمه ها گرم
می کنم اما یک جایی به بعد، کار از حساب و کتاب من خارج شد. اگر بپرسید، هنوز هم
نمی دانم چه شد. فقط می دانم این خواست خدا بود که مسیر کار و زندگی ام تغییر کند.»

۷ کار آفرینی با دوخت لباس های تعزیه خوانی

گلثومه خانم یک کار آفرین محلی است: «چند سالی می شود که کارگاه خیاطی را به
خانه منتقل کرده ام، فضای خانه کوچکمان شده پاتوق مشتری بنام. گاهی گل های
قالی ام زیر پارچه ریزه ها و نخ ریزه ها پنهان می شود. همین که ظهر می شود نگران
حضور همسر هستم که خسته و کوفته باید میان نخ ها بنشیند! اما چه می شود کرد،
من سه فرزند قد و نیم قد دارم و نمی توانم تمام روز را از آن ها دور باشم. از این گذشته
آن ها کمک دست من در دوخت و دوز و بسته بندی لباس ها هستند.»
اومی گوید: «علاوه بر خانواده ما، ۱۰ نفر از بانوان خیاط محله هم از این دم و دستگاه
نان می خورند. آن ها پارچه های برش زده را از ما تحویل می گیرند و بعد از دوخت و دوز،
لباس های تعزیه را به ما برمی گردانند و از این طریق درآمد
خوبی هم دارند.»

۸ انگار در مجلس روضه نشسته ام

این جادو کار گاه لباس های محرمی به هر طرف نگاه می کنیم، از اسم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) قوت قلب می گیریم.
گلثومه خانم می گوید: «با امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) هر سختی را آسان می کند.»
کلمات خانم خیاط ناخود آگاه چشمانش را اثر می کند و اشک هایش سرازیر می شود: «۱۵ سال است تار و زار عاشورا،
نمی توانم پایم را در هیئت ها بگذارم. آخر، همیشه عده ای چشم انتظار آمده شدن سفارش هایشان
هستند. عزاداری ام خلاصه می شود به تماشای آخر شبی دسته های عزاداری در حوالی خانه. در
آن ۱۰ روز در واقع کار گاهم حسینی من است. شاید باور نکنید اما وقتی پشت چرخ می نشینم تا با
پارچه های سبز، لباس شهدای کر بلا و با پارچه های قرمز، لباس مخالف خوان های تعزیه را بدوزم،
انگار در مجلس روضه نشسته باشم، دلم هوایی می شود، اشک می ریزم و می دوزم و زیر لب زیارت
عاشورامی خوانم. خانم فرهادی ادامه می دهد: «البته خدا و اهل بیت (ع) نمی گذارند بی نصیب بمانم،
هر سال افتخار دارم تار و زار هفتم بعد از شهادت امام حسین (ع) در حسینی محله کمک آشپز می شوم.
همیشه عاشق غذا کشیدن برای عزاداران امام حسین (ع) بودم و در این حسینی به آرزویم رسیدم.»

۹ تا خوشبختی فقط یک کر بلا فاصله دارم

پایان روایت بانوی هنرمند چهل و پنج ساله محله الهی به هم یک آرزوست. دل که به دلش بدهی، برایت
خواهد گفت که حالا تا خوشبختی کامل، فقط یک سفر کر بلا کم دارد: «حالا فقط یک آرزوی برآورده نشده
دارم. آرزویم این است که یک پرچم بدوزم و به کر بلا بریم تاروی گنبد حرم امام حسین (ع) نصب کنم.»
یک دغدغه اما همیشه هم نفس این آرزوی گلثومه فرهادی است: «دلم برای کر بلا برمی کشد اما از خدا
خواسته ام جوری مرا برای این سفر آماده کند که وقتی رفتم و برگشتم، بتوانم حرمت و شأن زائر امام حسین (ع)
را حفظ کنم. اگر برگردم و نتوانم جلود روغ گفتن و غیبت کردنم را بگیرم، به حجاب بی اهمیت باشم، این چه
زیارتی است؟ کر بلا و مکه رفتن، راحت است. نهایتش می توان پولش را قرض کرد اما همیشه می گویم
خدا یا جوری مرا اثر کر بلا کن که در برگشت، راهی را بروم که امام حسین (ع) راضی است.»



جوانان هیئت الحسن^(ع) با مشارکت همسایه‌ها، معلم ۶۵ راسیاه پوش کرده‌اند

رخت‌عزای بر تن کوچه شهید ذاکری

منطقه
۱۱

هم‌ایده‌چراغانی سرخ‌مطح‌شردر بوسه‌های چراغ‌های قرمز راه‌دار به دست‌ها وصل کردند. ابتدای کوچه هم پرچم بزرگ، به مجلس عزای سیدالشهدا^(ع) خوش آمدید، نصب شد. حال دیگر نه فقط تکیه بلکه کوچه معلم ۶۵ سیاه‌پوش است. اهالی هم به عشق ابا عبا...^(ع) از این موضوع استقبال کرده‌اند.

حسرت خوردن ساکنان محله‌های دیگر

علی کریمی که از اهالی این کوچه است و در شصت و پنج سالگی قرار دارد، هنگام نصب داربست و پرچم‌ها جزو مشوقان جوانان بوده و می‌گوید: «دشمنان ما هزار کار علیه اسلام انجام می‌دهند این پرچم‌ها و این سیاهی‌ها یعنی ما و جوانانمان عاشق امام حسینیم.»

حاج خانم سپیدار هم با وجود اینکه خودش بیمار است و از همسر مریض احوالش مراقبت می‌کند، حال و هوای حسینی کوچه، دلش را به کر بلا می‌برد و هر شب که مراسم عزاداری تکیه شروع می‌شود، در آن شرکت می‌کند و از امام حسین^(ع) توفیق رفتن به سفر کر بلا را می‌خواهد.

شمیم نورالهی که با پسر نه‌ساله‌اش در حال عبور از کوچه است، فضا آرای محرمی آن را لید می‌داند و می‌گوید: «امسال که کوچه را این‌طور پرچم کشیده‌اند، انگار دل ما هم به امام حسین^(ع) نزدیک‌تر شده و بیشتر محرم را حس می‌کنم.»

امید شیرمست که بیست سال است هیئت است و زندگی‌اش با پرچم امام حسین^(ع) گره خورده است، می‌گوید: «بعضی‌ها این کارها را ظاهر سازی می‌دانند اما در شرایطی که دشمنان، خیلی کارها بر علیه ما می‌کنند همین کارهای ظاهری هم لازم است. در کنارش سعی می‌کنیم اخلاقمان را به امام حسین^(ع)

فهمیده شهری احاشیه بولوار معلم، بعد از نماز ایستگاه‌های اتومبیل به کوچه معلم ۶۵ که به نام شهید ذاکری است می‌رسیم، کوچه‌ای که حال و هوای محرمی دارد. جوانان تکیه امام حسن مجتبی^(ع) بخش زیادی از این کوچه را داربست زده و روی داربست‌ها پرچم‌های مشکی و چراغ‌های ریشه‌ای قرمز بسته‌اند. فقط کافی است نگاهتان به این کوچه بیفتد تا ذکر «یا حسین^(ع)» بر زبانتان جاری شود. شب‌ها هم در تکیه مراسم عزاداری برگزار می‌شود. بیشتر اهالی کوچه از این فضا آرای محرمی و سیاه‌پوش کردن آن راضی هستند و به عشق آقا ابا عبا...^(ع) دوست دارند سال‌های بعد هم کوچه محل زندگی‌شان مزین به پرچم‌های عزاداری سالار شهیدان باشد.

همراهی همسایه‌ها با نصب کنندگان پرچم‌ها

تکیه امام حسن مجتبی^(ع) چهار سال است که مراسم خود را در کوچه معلم ۶۵ در زمینی که یکی از اعضا به طور موقت در اختیار آن‌ها گذاشته است، اجرا می‌کنند. اعضای جوان و پرشور این هیئت امسال تصمیم گرفتند فراتر از پرچم‌های سیاهی که به در و دیوار تکیه می‌زنند، کوچه معلم ۶۵ را هم فضا آرای کنند. بعد از شور و مشورت، داربست سفارش دادند و ده دوازده نفری شروع به نصب پرچم روی داربست‌ها کردند. همسایه‌ها که فهمیده بودند قضیه از چه قرار است، شور حسینی‌شان برانگیخته شده بود، برایشان شربت می‌آوردند، اسپند دود می‌کردند و بر این خادمان حسینی خد اقاوت می‌گفتند. از دور هم کار را نظاره می‌کردند و گه‌گاه نظرهای متفاوتی می‌دادند. در بین همین نظرها، پارچه‌های قسمت میانی داربست‌ها، شبیه خیمه‌ها بالاتر کشیده شد. بعد



تصویر عکس: مهدیه غفوریان / شهر آرا

متین شادورز دانش‌آموز سیزده‌ساله‌ای است که در کارهای هیئت الحسن^(ع) همراهی دارد. او آن قدر خاطرات خوبی از حضور در هیئت دارد که چند تن از دوستان مدرسه‌اش را هم فراخوانده است و اکنون همراه آن‌ها هر کدام کاری را در دست دارند. متین همان‌طور که به پرچم‌ها نگاه می‌کند، می‌گوید: «دوستانم که این کوچه را می‌بینند می‌گویند کاش کوچه‌خانه آن‌ها هم این‌طور سیاه‌پوش می‌شد. یکی از آن‌ها هم بعد از دیدن این فضا، بالای خانه خودشان پرچمی نصب کرده است.»

نزدیک‌تر کنیم. نوید علیزاده که در آستانه بیست و یک سالگی است و او هم در بالابردن پرچم‌ها مشارکت داشته، معتقد است، در ماه محرم شهر باید حال و هوای محرمی پیدا کند و به نظرش اگر هر هیئت، خیابان محل خودش را سیاه‌پوش و فضا آرای کند، این هدف به راحتی تحقق پیدا می‌کند. به گفته او همسایه‌ها ممکن است تحمل خیلی امور عادی را نداشته باشند اما وقتی کاری برای امام حسین^(ع) انجام می‌شود همه با ارادت می‌کنند. همراهی می‌کنند.

به صرف جای صلواتی

اعضای تکیه امام حسن مجتبی^(ع) علاوه بر فضا آرای کوچه، ایستگاه‌های صلواتی هم دارند، منتی چون عرض کم کوچه معلم ۶۵ برای این کار مناسب نیست، این ایستگاه را در ابتدای بولوار صدف دایر کرده‌اند. امیری می‌گوید: «عده‌ای می‌پرسند این کارها و وزن چنین ایستگاهی چه تأثیری دارد. من در جواب می‌گویم خیلی‌ها هستند که اولش برای صرف جای مهمان ما شدند اما بعد از مدتی خودشان هیئت شدند.»

او بادی از دو برادری می‌کند که چند سال پیش به آن‌ها ملحق شده‌اند: «آن زمان این دو نوجوان ذوق آن را داشتند که با ما جای درست کنند و بینمان باشند. خانواده این دو برادر، اصلاً مذهبی و در این وادی نبودند اما اکنون این دو برادر از گردانندگان اصلی هیئت ما هستند. به گفته او گاهی همین فضا آرای‌های محرمی و ایستگاه‌های جای و شربت، نقطه اتصال فرد به سیدالشهدا^(ع) می‌شود.»

تأثیر فضا آرای در جذب جوانان

محمد حسن محصل که مداح و از اعضای هیئت الحسن^(ع) است، می‌گوید: «فضا آرای کوچه تأثیر خودش را گذاشته و تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم عزاداری تکیه را نسبت به سال گذشته دو تا سه برابر کرده است. به گفته او از وقتی کوچه سیاه‌پوش شده، خیلی جوان‌ها با پرچم‌های سیاه آن عکس می‌گیرند. بعد هم به جمع عزاداران می‌پیوندند. حامد امیری مسئول هیئت ادامه می‌دهد: «ابتدا برای عید غدیر کوچه را پرچم زدیم، خدارا شکر با استقبال مردم و روی خوش همسایه‌ها، تصمیم گرفتیم برای ایام محرم، به طور وسیع‌تری این کار را انجام دهیم. الان هم بعضی‌ها می‌گویند از سال آینده کل کوچه را داربست ببندیم. فقط دو نفر از همسایه‌ها از اینکه جای پارک کم شده شاک می‌کنند که گفتیم به عشق امام حسین^(ع) این ۱۰ روز را تحمل کنند. خود بچه‌های هیئت هم خود روها پیشان را داخل کوچه نمی‌آورند تا جا برای اهالی باشد.»

خیلی‌ها هستند که اولش برای صرف جای مهمان ایستگاه صلواتی شدند اما بعد از مدتی خودشان هیئت شدند



نوجوان محله فارغ التحصیلان
در ادامه مکبری، مداح هیئت شد

مداحی مهدیار به عشق حضرت زهرا (س)



امید
محله

فهیمة شهری اول محرم که می شود لباس مشکی اش را می پوشد و چشم انتظار است که روضه ها شروع شود. خیلی وقت ها عقب تر می نشیند تا از روضه فیض ببرد اما هیئتی ها که با صدای خویش آشنا می شوند همیشه صدایش می کنند تا او هم چند نوایی راز مزمه کند. وقتی برای مداحی می رود نگاه نمی کند چند نفر به صدایش گوش می دهند سرش را پایین می اندازد و خودش را در محضر بی بی زهرا (س) می بیند و برای بانوی دو عالم می خواند. مهدیار محمودی نوجوان پانزده ساله محله فارغ التحصیلان است که در مراسم های زیادی مداحی کرده و اکنون در ایام محرم هر روز به چند برنامه دعوت است.

کسب تجربه از مداحان معروف

صدای خوب مهدیار ابتدا بیش از همه در مکبری خودش را نشان داد. از دوران مهد کودک مکبری می کرد و با تشویق های پدر، مادر و مربی هر روز بیشتر به این عرصه علاقه نشان داد. هفت ساله که بود مکبر مسجد محله شان ام الائمه فاطمه الزهرا (س) شد. پدرش عضو هیئت «یار قبه» بود و با حمایت او نوحه ای را در مراسم این هیئت خواند و از این پس، شوق مداحی در او بیشتر شد.

مهدیار تعریف می کند: «یک کتاب از زمان مهد کودکم داشتم که در آن چندین شعرو نوحه داشت. آن ها را تمرین می کردم تا در مراسم هیئت بخوانم. در مسجد محله نیز فرصت این کار را به من می دادند و همین ها باعث شد تا اکنون توفیق مداحی برای ائمه (ع) را داشته باشم.»

او که سال گذشته در مسابقات قرآن و عترت آموزش و پرورش، مقام اول ناحیه در رشته مداحی را کسب کرده است، می گوید: «کلاس خاصی نرفته ام اما هر بار که کنار مداحان معروف مداحی کرده ام، آن ها توصیه هایی به من داشته اند که سعی می کنم به آن ها عمل کنم.»

ورزش در کنار مداحی

مهدیار محمودی به هم سن و سال های خودش که دوست دارند مداحی را یاد بگیرند آموزش می دهد. از آنجا که اعتقاد دارد کسی که پادار این عرصه می گذارد باید نمازش را اول وقت بخواند و به پدر و مادرش احترام بگذارد، اولین نکته ای که توصیه می کند همین هاست. او اوردت خاصی به امام حسن مجتبی (ع) دارد و در باره اش می گوید: «وقتی کتاب های دینی را می خواندم پی به غربت این امام عزیز بردم و به همین دلیل خیلی دوستدارشان هستم.» حضرت رقیه (س) و حضرت علی اصغر (ع) دو نامی است که مهدیار را خیلی تحت تأثیر قرار می دهد. او می گوید: «وقتی به این دو بزرگوار فکر می کنم، می بینم از من کوچک تر بودند و آن اتفاقات برایشان رخ داده است خیلی منقلب می شوم.»

مداح محله فارغ التحصیلان اهل ورزش هم هست و کاراته و هاکی و راتو اما مرحله کمر بند قرمز پیش برده و سال ۹۷ در مسابقات کاراته نوجوانان مقام دوم استان را کسب کرده است. او سال ۹۹ در مسابقات فوتسال آموزش و پرورش، مقام دوم ناحیه را به دست آورده و به گفته خودش پینگ پنگ را هم به خوبی یاد دارد اما در کنار همه این ها لذتی که از مداحی می برد برایش مقایسه شدنی نیست و می خواهد این عرصه را با جدیت بیشتری دنبال کند.

مکان نما

مسجد نیمه کاره الزهرا (س) همدلی
خوبی در میان اهالی خیابان تقویه
ایجاد کرده است

تکمیل مسجد نیازمند نگاه خیران



رضاری باحی ادر اوایل دهه ۸۰

بیشتر از هزار متر مربع از اراضی
شهر کنبروی انتظامی در خیابان تقویه
برای ساخت مسجد، الزهرا، در نظر گرفته
شد. زمین این مسجد سال ها به حال خود رها
شده بود تا اینکه در سال ۱۳۹۵ به مالکیت سازمان
اوقاف و امور خیریه درآمد و برای ساخت و ساز در اختیار
اهالی قرار گرفت.

این روزها خواسته بزرگ مردم این است که دست کم چراغ طبقه
اول مسجدشان هر چه زود تر روشن شود؛ آرزویی که به گفته اعضای
هیئت امنای مسجد در حدود ۴ میلیارد تومان آب می خورد، پولی که نه
جیب مردم توان آن را دارد و نه بانی وارگان دست به نقدی برایش پیدای می شود.

اقامه نماز در سوله ای ۶۰ متری!

بر اساس نقشه های نظام مهندسی، مسجد الزهرا (س) حدود ۲ هزار و ۶۰۰ متر مربع زیر بنا دارد
و در چهار طبقه بنا خواهد شد. دو طبقه نمازخانه ۸۰۰ متری برای آقایان و بانوان و دو طبقه
۶۰۰ متری هم برای مرکز فرهنگی، کتابخانه، حسینیه و... اما آنچه تا کنون نصیب اهالی شده
است، یک سوله ۶۰ متری است که باید به آن بسنده کنند.

مهدی حسین پناه، عضو هیئت امنای مسجد می گوید: «سال ۹۵ بود که به خیابان تقویه آمدم،
وقتی در جریان اوضاع و احوال و نیاز مبرم اهالی به فضایی برای اقامه نماز جماعت و گردهمایی
در مناسبت های مختلف قرار گرفتیم، دست به کار شدیم. ابتدا با همیاری اهالی مبلغ ۲۰ میلیون
تومان جمع آوری کردیم و بان سوله ای به مساحت ۶۰ متر مربع در زمین مسجد بنا کردیم. اوایل
سال ۹۸ بود که چراغ آنجا روشن شد تا اولین نماز جماعت اهالی در فضای مسقف اقامه شود.»
آن طور که اهالی روایت می کنند برکت برگزاری نماز در این سوله آن قدر زیاد بوده که هر
روز با همت خیران مجهز تر از روز قبل می شده است. ابتدا دیوارهایش گچ کاری شده،
بعد در و پنجره هایش نصب شدند. یکی کولر داده و دیگری آب سرد کن و به این ترتیب
مسجد روبه راه شده است.

اومی گوید: «از بنای اصلی مسجد تنها فونداسیون، کف سازی و اسکلت بتنی طبقه اول
اجرا شده که تا همین مرحله در حدود یک و نیم میلیارد تومان هزینه در برداشته است که
با کمک خیران تأمین شده است.»

برنامه های فرهنگی و مذهبی مسجد

مسجد الزهرا (س) همدلی رابه خوبی در میان اهالی ایجاد کرده و اتفاقات شیرینی را رقم
زده است.

این عضو شورای اجتماعی امیریه توضیح می دهد: «پایگاه بسیج خواران شهید حججی
بسیار فعال است. از تولید ماسک در دوران همه گیری کرونا تا تهیه جهیزیه برای زوجین و
سیسمونی برای نوزادان و همچنین برگزاری کلاس های بافتنی و آشپزی که عموما رایگان
است از جمله فعالیت های بانوان مسجدی است. در طرف دیگر فعالیت هایی همچون
تشکیل ستاد ازدواج آسان، برپایی عباد و جشن های خیابانی، توزیع بسته های معیشتی
و غذای گرم برای نیازمندان و برگزاری کلاس های حفظ، تفسیر و روحانی قرآن کریم به
همت پایگاه بسیج شهید سلیمانی انجام می شود.»

او یادآوری می کند: «مسجد الزهرا (س) در دهه اول محرم هر شب از میهمانان و عزاداران
اباعبا... (ع) پذیرایی می کند. هر شب زیارت عاشورا برپاست و علاقه مندان در روزهای
دوشنبه و چهارشنبه از طرف مسجد به حرم مطهر مشرف می شوند.»

محلات منطقه ما:

۱۱: زینباشهر، آزادشهر، شهید رضوی، سیدرضی دانش آموز، دانشجو، تربیت، شریف و فارغ التحصیلان

۱۲: الهیه، امیریه، وکیل آباد جاهد شهر، کلا ته بر فی فردوسی، چهاربرج، مجیدیه، رحمانیه، نقویه، صادقیه

مدیر عامل: سید میثم موسوی مهر
 سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
 دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد
 دبیر شهر آرا محله منطقه ۱۱ و ۱۲: مصطفی بهشتی
 تلفن شهر آرا محله منطقه ۱۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶
 تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۱۲: ۳۱۲۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
 دفتر منطقه ۱۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، مجموعه ورزشی گلسا، طبقه اول
 دفتر منطقه ۱۲: سجادیه ۲۹، شهید حسینی ۲، ساختمان شماره دو شهرداری منطقه ۱۲
 پست الکترونیک: mahalle11@shahrara.ir
 mahalle12@shahrara.ir
 کانال شهر آرا محله: @ShahraraMahaleh
 دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از: shahraranews.ir



کوچه سر سبز کنار کال

است. به واسطه فضای سبز حاشیه این کال و همچنین بوستان خطی ضلع جنوبی، آزادی ۳۶ جزو معابر سرسبز منطقه است. محدودیت ورود از دو خیابان امامت و آزادی به این معبر و وجود تنها یک راه خروجی به بزرگراه پیامبر اعظم (ص) سبب ایجاد مشکل در تردد اهالی این کوچه است.

سید مصطفی بهشتی | کوچه آزادی ۳۶، معبری در انتهای محله زینباشهر است که از سوی دیگر به امامت ۳۵ متصل می شود. در سرتاسر ضلع شمالی این کوچه، کال آموزگار کشیده شده



بوستان خطی نارون در انتهای آزادی ۳۶ قرار گرفته است. این فضای سبز محله زینباشهر مجهز به فضای بازی کودکان و وسایل ورزشی بزرگسالان است.



مسجد پیامبر اعظم (ص) در سال ۱۳۹۵ و به همت اهالی محله زینباشهر ساخته شد. این مسجد برای تکمیل برخی فضاهای داخلی و نمای بیرونی با کمبودهای مالی روبه روست.



مسیر رودخانه کنار این کوچه به نام کال آموزگار شناخته می شود. فضای سبز اطراف کال زیبایی بخش کوچه است اما در زمان بارش ها، مشکلاتی برای اهالی ایجاد می کند.

هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه ریحانه در سال ۱۳۸۱ ساخته شده است و به واسطه تدریس رشته های پرطرفدار فنی و حرفه ای، داوطلبان زیادی برای ثبت نام دارد.

